

سه شهنامی شوم شوم کردار... همه زاده به ذره‌ی سرو و نم دار
نیند هیچ کس آن روز را که... ز لاجمات آوردند از خویش رفتار

سه خواهر سر سه شوم و شوم کردار... همه جذاب و زیبا وقت دیدار
دوزین سه مرگ را بیند و شوم... باید با سیر و تاج بس کار



عمارت گریوزدریک^۱

ملکه‌ای حواص نا پاهای برهنه روی سکویی چوبی ایستاده و نارواش را به دو سمت نار کرده است تنها چیری که حلو بر حورد ناد نا او را می‌گیرد، ناس ریر کمی که به تن دارد و موهای سیاه و بلندش است که تا کمرش بایین آمده است هر دره‌ی قدرتی را که در بدن طریفش هست، برای نالا گه داشتن چانه و صاف کردن شانه‌هایش احتیاج دارد دو رن قدبلند اطراف سکوی چوبی ایستاده‌اند نوک انگشتان‌شان را به اروهای گره کرده‌شان می‌کوبند و صدای قدم‌های‌شان روی کف چوبی و سرد اتاق پژواک می‌یابد

^۱ Greavesdrake

کاری کند که پایین بیفتد و بعد نتواند به خاطر کوفتگی‌های جدید سرریشش کند

حویو دوباره مویش را می‌کشد

- حب، حداقلش ایبه که از ریشه درمی‌آد ولی موی سیاه چطور می‌تونه

این قدر کدر باشه؟ و هنوز هم حیلی حیلی کوچیکه

ناتالیا نا صدای عمیق و آرامش می‌گوید «ااون کوچک‌ترین و حوون‌ترین

عضو سه‌قلوهاست بعضی چیزها رو نمی‌شه تغییر داد، حواهر»

وقتی ناتالیا قدم حلو می‌گذارد، برای کاترین سحت است که نا چشمانش

او را تعقیب نکند ناتالیا آرون نزدیک‌ترین چیر به یک مادر است که

کاترین تانه‌حال تحربه کرده است وقتی شش سالش بود و در طول مسیر

طولانی از کله‌ی سیاه^۱ تا خانه‌ی حدیدش، عمارت گریوردریک^۲،

می‌خواست از عم حدایی حواهراش گریه کند، این دامان ابریشمی ناتالیا

بود که به کمکش آمده بود آن رور کاترین اصلاً شیهه‌ملکه‌ها بود اما

ناتالیا بیش از آن او را برحاند گذاشت کاترین گریه و لباسش را حراب

کند موهایش را نوارش کرد این یکی از اولین حاطرات کاترین است تنها

دفعه‌ای بود که ناتالیا نه او احاره داد مثل بچه‌ها رفتار کند

در نور مایل اتاق نشیمن، موهایی به رنگ یخ و دم حرگوشی ناتالیا

تقریباً نقره‌ای به نظر می‌رسد اما او پیر بیست ناتالیا هرگر پیر حواهر شد

آن قدر کار و مسئولیت دارد که نتواند به خودش احاره‌ی پیر شدن بدهد

او بررگ حانداان مسموم‌کننده‌ی^۳ آرون و همچین قوی‌ترین عضو شورای

سیاه^۴ است ناتالیا ملکه‌ی حدیدشان را پرورش می‌دهد

حویو^۱ می‌گوید «ااون قدر لاعره که دنده‌هاش پیدااست» و آن قدر آرام نه آن‌ها صربه می‌رند که انگار می‌ترسد اگر محکم‌تر برسد، استخوان‌ها نترسد و در بروند «و هنوز حیلی کوچکه ملکه‌های کوچک حیلی اطمینان‌بخش بیستن بقیه‌ی افراد شورا در این مورد ساکت حواهرند موند» نا ابرحار ملکه را بررسی می‌کند و چشمانش نه آرامی روی همه‌ی بقصان‌های او کشیده می‌شود گونه‌های فرورفته‌اش، پوست رنگ‌پریده‌اش دگمه‌های حوینی که از مالیدن بلوط سمی نه وجود آمده‌اند، هنوز دست راستش را پوشانده‌اند اما رحمی ندارد همیشه در این یک مورد حساسی مراقب هستند

حویو می‌گوید «دست‌هات رو بیار پایین» و روی پاشه‌اش می‌چرحد ملکه کاترین^۲ قبل از احام این کار نه ناتالیا آرون^۳، حواهر بررگ‌تر و قدبلندتر حویو، بگاهی می‌کند ناتالیا سرش را نه شنانه‌ی تأیید تکان می‌دهد و حوون دوباره نه بوک انگشتان کاترین حریان می‌یاند

حویو می‌گوید «امشب باید دستکش بپوشه» صدایش بی‌تردید مملو از انتقاد است اما کسی که درمورد تمریبات ملکه تصمیم می‌گیرد، ناتالیا است و اگر ناتالیا حواهرد هفت‌ای قبل از تولد کاترین، دست‌های او را نه بلوط سمی آعشته کند، این کار را حواهر کرد

حویو دسته‌ای از موهای کاترین را نالا می‌گیرد، بعد محکم آن را می‌کشد

کاترین پلک می‌رند از همان موقعی که نه روی این سکو قدم گذاشته، تانه‌حال، دستان حویو پشت‌سرهم او را نه عقب و حلو کشیده‌اند بعضی مواقع آن قدر محکم کشیده شده که نه نظر می‌رسد حویو می‌حواهرد عمداً

¹ Black Cottage

² Greavesdrake Manor

³ Poisoners

⁴ Black Council

¹ Genevieve

² Queen Katharine

³ Natalia Arron